

## شاخص‌های فرهنگ سیاسی جمهوری اسلامی ایران در بعد خرد از دیدگاه نخبگان<sup>۱</sup>

محمدصادق جلالی‌راد\*

رزیتا سپهرنیا\*\*

### چکیده

شاخص‌های فرهنگ سیاسی از ملزومات سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی استراتژیک در سیاست‌های فرهنگی کشورها محسوب می‌شود، از این رو احصاء و تبیین شاخص‌های فرهنگی سیاسی در نظام جمهوری اسلامی ایران می‌تواند ضرورتی برای سیاست‌گذاری‌های کلان و خرد را در کشور فراهم نماید.

روش تحقیق در این پژوهش روش ترکیبی کیو می‌باشد و جامعه آماری شامل ۵۴ نفر از اساتید و صاحب‌نظران سیاسی دانشکده‌های علوم سیاسی دانشگاه‌های دولتی و دانشگاه‌های آزاد اسلامی استان تهران و البرز می‌باشند که به صورت هدفمند و کاملاً غیراحتمالی انتخاب شدند. ابزار گردآوری اطلاعات، پرسشنامه محقق‌ساخت با گویه‌هایی مبتنی بر شاخص‌های مستخرج از مطالعات کتابخانه‌ای و مصاحبه‌های دلفی اساتید و کارشناسان سیاسی بوده و روایی پرسشنامه بصورت صوری و محتوایی مورد تایید صاحب‌نظران قرار گرفته و پایایی پرسشنامه نیز از طریق آلفای کرونباخ مورد توجه بوده است. تجزیه و تحلیل داده‌ها از طریق آمار توصیفی و استنباطی و تحلیل عاملی کیو انجام پذیرفته است.

یافته‌های تحقیق نشان داد گزاره‌های "بازتولید مبانی دینی-سیاسی" و "افراط و تفریط‌گرایی" بیشترین اثرگذاری و "عاملیت سیاسی نخبگان" و "رضایت دائم از شرایط موجود" کمترین تبیین‌کنندگی را در بعد خرد فرهنگ سیاسی نظام جمهوری اسلامی ایران به خود اختصاص داده‌اند.

**کلیدواژه‌ها:** فرهنگ سیاسی، جمهوری اسلامی ایران، بعد خرد، روش کیو

\* کارشناسی‌ارشد، گروه علوم سیاسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، واحد کرج، دانشگاه آزاداسلامی، البرز، ایران. mohammad\_jalalirad@yahoo.com

\*\* استادیار، گروه علوم اجتماعی، واحد رودهن، دانشگاه آزاد اسلامی، رودهن، ایران. (نویسنده مسئول) sepehrnia@riau.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۷/۲۰، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۹/۱۸

## ۱. مقدمه

گابریل آلموند واژه فرهنگ سیاسی را برای اولین بار بکار برد. به نظر وی هر نظام سیاسی در درون الگویی خاص از سمت‌گیری برای کنش سیاسی فعالیت دارد. آلموند و وربا در کتاب فرهنگ مدنی این مفهوم بندی از فرهنگ سیاسی را برجسته تر نموده و فرهنگ سیاسی را برحسب سمت‌گیری‌ها و ایستارهای سیاسی افراد در قبال نظام سیاسی خویش تعریف کردند. «وقتی از فرهنگ سیاسی یک جامعه سخن می‌گوییم در واقع به نظام سیاسی به همان وجهی که در قالب شناخته‌ها، احساسات و ارزشیابی‌های اعضای آن در ذهن و روح آن‌ها جای‌گیر شده است نظر داریم» (چیلکوت، ۱۳۷۷: ۳۴۵).

در واقع فرهنگ سیاسی یک جامعه مجموعه‌ای از آرمان‌ها، نگرش‌ها و طرز برخورد‌های کم و بیش ثابت درباره قدرت و سیاست است که تحت تأثیر عقاید، نمادها، ارزش‌ها و باورهای افراد و در متن تاریخ و حیات جمعی آن‌ها شکل می‌گیرد و به رفتارها و کنش‌های سیاسی در قبال نظام سیاسی جهت می‌دهد (اخترشهر، ۱۳۸۶: ۵۷). باز آن جایی که توجه به این که کشور ایران در چشم انداز سیاسی و آرمانی خویش بدنبال تحقق سیاست‌های فرهنگی است از این رو تأکید بر اجرای سیاست‌های فرهنگی ایرانی اسلامی و فقدان شاخص‌های فرهنگ سیاسی سبب شده تا نتوان به مقایسه و ارزیابی فرهنگ پذیری سیاسی در جامعه و تعیین وضعیت موجود در حوزه‌های سیاست‌گذاران، کارگزاران سیاسی، جامعه عام مردمی و یا تعیین وضعیت مطلوب نهایی در راستای فرهنگ ملی و اسلامی ایرانی اقدام نمود و این امر موجب بروز وقفه و رکود در ارتقاء و توسعه پایدار و توسعه سیاسی فرهنگی جامعه شده است. فقدان نقشه جامع فرهنگ سیاسی در جامعه بدلیل عدم حضور معیارها و شاخص‌های سنجش و ارزیابی این مقوله می‌باشند، چرا که برای ترسیم هر پدیده‌ای ابتدا باید معیارهای اندازه‌گیری آن را تعیین نمود و در نهایت به ارزیابی و یا ارتقاء آن پرداخت. در این پژوهش محقق سعی دارد تا با ارائه الگویی نسبتاً جامع، محوریت مشترکی را برای اندیشیدن در حوزه «فرهنگ سیاسی» فراهم نماید تا صاحب نظران سیاسی و کارگزاران بتوانند ضمن ارزیابی فرهنگ سیاسی و امکان مقایسه تطبیقی آن در دوره‌های مختلف تاریخی زمینه‌ای را برای سیاست‌گذاری‌های استراتژیک فرهنگی و سیاسی در کشور فراهم سازد.

هدف اصلی این پژوهش شناسایی مؤلفه‌ها و شاخص‌های فرهنگ سیاسی نظام جمهوری اسلامی ایران در بعد خرد می‌باشد. در اهداف اختصاصی این مقاله بدنبال تعیین سهم و رتبه بندی شاخص‌های بعد خرد در فرهنگ سیاسی نظام جمهوری اسلامی ایران می‌باشد.

## ۲. پیشینه تحقیق

با مروری بر بیش از ۱۴۰ تحقیق انجام شده در حوزه فرهنگ سیاسی (بدون توجه به استخراج شاخص‌های فرهنگ سیاسی، فقط به دلیل ذکر کلمه فرهنگ سیاسی) تحقیقی که به وضوح به احصاء و تبیین شاخص‌های فرهنگ سیاسی نظام جمهوری اسلامی ایران، توجه نماید یافت نشد. از این رو محقق جهت جمع‌آوری شاخص‌های موجود فرهنگ سیاسی ایران به صورت فراتحلیل با مرور بر بیش از ۱۴۰ مقاله و پایان‌نامه مرتبط به استخراج شاخص‌های فرهنگ سیاسی جمهوری اسلامی ایران مبادرت نمود. از جمله این تحقیقات می‌توان به پژوهش احسانی (۱۳۷۸) با عنوان "بررسی تطبیقی فرهنگ سیاسی مردم در قبل از انقلاب اسلامی ایران" نام برد که به بررسی مؤلفه‌هایی چون بی‌اعتمادی سیاسی، فردگرایی منفی، بی‌تفاوتی سیاسی، عدم تساهل و وجود خشونت، روحیه ظلم ستیزی و عدالت‌جویی، مشارکت سیاسی و انتخاباتی، نقش احزاب، ارزش‌های مذهبی و عدالت و آزادی، نقش فرهنگ تبعی و آگاهی سیاسی پرداخته و به این نتیجه رسیده است که بسیاری از شاخص‌های فرهنگ سیاسی با وقوع انقلاب تغییر کرده و روند مشارکت در ایران از مشارکت منفعل به مشارکت فعال در حال گذار است (احسانی، ۱۳۷۸).

خلیلی و همکاران (۱۳۹۳) در پژوهشی با عنوان "فرهنگ سیاسی نخبگان، برآمدن و بر افتادن پهلوی اول" شاخص‌های غیر دموکراتیکی چون قهرمان پرستی، وفاداری به فرد به جای نهادهای سیاسی، اولویت منافع فردی در مقابل منافع ساختاری، بی‌اعتمادی سیاسی و روش حذف و تخریب در حل اختلافات سیاسی را از عوامل برآمدن و فروپاشی نظام پهلوی اول می‌دانند (خلیلی و همکاران، ۱۳۹۳).

ملکان (۱۳۷۶) در پژوهش خود با عنوان "فرهنگ سیاسی نخبگان حاکم و کثرت‌گرایی (پلورالیسم) سیاسی در ایران ۱۳۵۷-۱۳۳۲" ویژگی‌ها و شاخص‌های فرهنگ سیاسی نخبگان حاکم را بی‌اعتمادی سیاسی، احساس عدم امنیت، سوءظن و سوءاستفاده و فساد بر می‌شمارد و علل انفعال توده مردم در مقابل نخبگان را به دلیل

وجود شاخص‌هایی چون فرهنگ آمریت، قضاوت احساسی، حاکمیت نظریه توطئه، بی‌اعتمادی، سیاست گریزی، و اسطوره گرایی می‌داند (ملکان، ۱۳۷۶).

### ۳. فرهنگ سیاسی

واژه فرهنگ سیاسی، که معادل عبارت Political Culture در انگلیسی و «الثقافة السياسية» در عربی است، پس از جنگ جهانی دوم در ادبیات توسعه سیاسی مطرح شده است. این واژه را نخستین بار گابریل آلموند (Gabriel Almond) در علم سیاست به کار برد. تعبیر فرهنگ سیاسی را هم چنین می‌توان در نوشته‌های جامعه‌شناسی و مردم‌شناسی کسانی مانند «ساموئل بوراندر»، «آدام اولام»، «روت بندیکت»، «مارگارت مید»، «آبرام کاردینر»، «رالف لیتون» و... که در زمینه فرهنگ و شخصیت کار کرده‌اند دنبال کرد (به نقل از ابوطالبی، ۱۳۸۴: ۱۱).

برای طبقه‌بندی فرهنگ سیاسی باید به مجموعه شرایط محیطی و نظام سیاسی توجه کرد. ترکیب شرایط مختلف، فرهنگ‌های سیاسی متفاوتی را درست می‌کند شاید به همین دلیل، پژوهشگران، فرهنگ سیاسی را به صورت‌های مختلف زیر طبقه بندی کرده‌اند، به عنوان مثال می‌توان به گونه‌های فرهنگ سیاسی تعریف شده توسط «گابریل آلموند» به محدود، تبعی، مشارکتی، و یا تعریف «والتر روزنهام» و دسته بندی فرهنگ سیاسی به مدنی، غیردینی، ایدئولوژیک، همگن، چندپاره یا طبقه بندی «دانیل الازار» به فردگرا، اخلاق‌گرا، سنتی و «محمود سریع‌القلم» به قبیله‌ای و عشیره‌ای و «سمیح فارسون و مهرداد مشایخی» به اسلام‌گرا، آزادخواه و جامعه‌گرا اشاره کرد.

آلموند و وربا طی دو سال (۱۹۶۰ ° ۱۹۵۹) از راه مصاحبه با حدود ۵ هزار نفر در ۵ کشور «انگلستان، ایالات متحده آمریکا، آلمان، ایتالیا و مکزیک» کوشیدند ایستارهای سیاسی ملی را از راه سنجش سه متغیر مهم اندازه‌گیری کنند: مردم فکر می‌کنند حکومت چه تأثیری در زندگی آن‌ها دارد؛ مردم نسبت به حکومت چه تکلیفی احساس می‌کنند؛ مردم از حکومت چه انتظاری دارند. از نظر دو پژوهشگر در کتاب فرهنگ مدنی (The Civic Culture)، سه نوع فرهنگ سیاسی برآمده از این متغیرها هستند یعنی؛ ۱. فرهنگ سیاسی محدود (Parochial)؛ ۲. فرهنگ سیاسی تبعی (Subjective)؛ ۳. «فرهنگ سیاسی مشارکتی (Participation).

فرهنگ سیاسی، برخاسته از فرهنگ یک جامعه است که در فرآیند اجتماعی شدن، بازتولید می‌شود یا امکان تغییر پیدا می‌کند. فرهنگ سیاسی، دربرگیرنده طیف وسیعی از

خصائل بشری است که رنگی سیاسی به خود گرفته است. این خصائل که اجزای تشکیل‌دهنده فرهنگ سیاسی شامل: تلقینات، عقاید، احساسات و عواطف، ارزش‌ها، جهت‌گیری‌ها و بالاخره رفتارها در یک جامعه سیاسی به حساب می‌آیند.

#### ۴. مبانی نظری فرهنگ سیاسی از دیدگاه صاحب نظران

##### ۴-۱. فرهنگ سیاسی از نظر آلموند

در نگاه آلموند، فرهنگ سیاسی مجموعه‌ای از منش‌ها، اعتقادات و احساسات در درون یک ملت نسبت به سیاست در زمانی مشخص است. این فرهنگ سیاسی توسط تاریخ آن ملت و از طریق فرآیندهای اجتماعی، اقتصادی و عمل سیاسی مداوم شکل می‌گیرد (به نقل از نادمی، ۱۳۹۰: ۱۵).

آلموند در ارزیابی سطح فرهنگ سیاسی جامعه معین، چهار ضابطه را یادآور شده است:

۱- فرد چه شناختی در مورد ملت، نظام سیاسی به مفهوم کلی آن و چه شناختی از تاریخ آن، اندازه، موقعیت، قدرت، خصوصیات «قانون اساسی» و مانند آن دارد؟ احساساتش نسبت به نظم اجتماعی چیست؟

۲- از ساخت‌ها و نقش‌های نخبگان سیاسی مختلف و خط مشی‌های سیاسی پیشنهادی که در جریان رو به بالای خط مشی‌سازی وجود دارد، چه شناختی دارد؟ احساسات و عقایدش در مورد این ساخت‌ها، رهبران و خط مشی‌های سیاسی پیشنهادی چیست؟

۳- درباره جریان رو به پایین اجرای خط مشی، ساخت‌ها، افراد و تصمیمات مربوط به این روندها چه شناختی دارد؟ احساسات و عقایدش درباره آن‌ها چیست؟

۴- چگونه خود را به عنوان عضوی از نظام سیاسی تصور می‌کند؟ در مورد حقوق، قدرت‌ها، تعهدات و استراتژی‌های مربوط به دسترسی به نقطه نفوذ چه شناختی دارد؟ و درباره قابلیت‌هایش چگونه فکر می‌کند؟ (به نقل از عابدی اردکانی، ۱۳۹۳: ۱۴۳).

آلموند بر این اساس سه مدل از فرهنگ سیاسی ارائه می‌کند:

۱- فرهنگ سیاسی جوامعی که افرادش در محدوده مناسبات سنتی تابع تصمیم‌گیری‌های سران و رهبران هستند.

۲- فرهنگ سیاسی جوامعی که افرادش تا آن حد مشارکت داده می‌شوند که در معرض سیاست‌گذاری قرار می‌گیرند.

۳- فرهنگ سیاسی جوامعی که افرادش مشارکت فعال دارند، تا آنجا که حتی بر سیاست‌گذاری‌ها اثر می‌گذارند.

آلموند با بیان اینکه در مقایسه نظام‌های موجود بررسی نهادهای حقوقی چندان نتیجه‌ای نمی‌دهد، می‌کوشد برای مقایسه روش شناختی نظام‌های سیاسی با کمک از جامعه‌شناسی و مردم‌شناسی طرحی ارائه دهد. از این لحاظ، رویکرد فرهنگ‌سیاسی از رویکرد نهادهای حقوقی در این معنا تفاوت دارد که رویکرد نهادهای حقوقی بر ساختار حقوقی نهادهای سیاسی و روند تصمیم‌گیری مطابق با قانون‌اساسی تأکید دارد، در حالی که رویکرد فرهنگ‌سیاسی گامی پیشتر نهاده و بر فراسوی نهادهای رسمی سازمان سیاسی تأکید می‌کند. آلموند می‌گوید: «باید نقش پیوندهای خانوادگی، نقش توده‌ها، انتخاب‌کنندگان، گروه‌بندی‌های سببی و پایدار و همه کانون‌های قدرت و نفوذ در روند سیاسی و... به حساب آورده شود» (به نقل از عالم، ۱۳۷۴: ۱۵۲۸).

#### ۴-۲. فرهنگ سیاسی از نظر سیدنی وربا

سیدنی وربا (Sidney Verba) از محققین و پیشگامان حوزه مطالعات فرهنگ سیاسی در بحث از فرهنگ‌سیاسی و رابطه آن با کنش و رفتار سیاسی است. وی فرهنگ‌سیاسی را «نظام باورهای تجربه‌پذیر، نهادها و ارزش‌هایی می‌داند که پایه و مبنای کنش سیاسی دارند». وربا به تبع آلموند بر این عقیده است که فرهنگ‌سیاسی می‌خواهد بین تجزیه و تحلیل خرد (جنبه‌های روانشناختی رفتارسیاسی فرد) و تجزیه و تحلیل کلان (جامعه‌شناسی سیاسی) پلی بزند و ارتباطی ایجاد نماید (هنری لطیف‌پور، ۱۳۸۰: ۲۶). وربا می‌گوید: «فرهنگ سیاسی ماهیتاً شامل نظامی از باورهای تجربی، نشانه‌های بیانی و عاطفی و ارزش‌ها است که شرایطی را که عمل سیاسی در آن رخ می‌دهد، مشخص می‌کند» (به نقل از عابدی اردکانی، ۱۳۹۳: ۱۴۳). سیدنی وربا فرهنگ‌سیاسی را چنین مفهوم‌بندی می‌کند: «فرهنگ‌سیاسی عبارت است از نظام باورهای تجربه‌پذیر، نمادها و ارزش‌هایی که پایه کنش سیاسی است» (به نقل از رزاقی، ۱۳۷۵). از نظر او فرهنگ‌سیاسی می‌کوشد تجزیه و تحلیل رفتاری را در بررسی مفهوم‌های مهم سیاسی مثل ایدئولوژی سیاسی، حاکمیت، مشروعیت، ملیت و حکومت به کار گیرد.

فرهنگ‌سیاسی محیطی روانی است که تضادهای سیاسی در آن هدایت می‌شوند و سیاست‌های عمومی در آن اتخاذ می‌گردند. در محیط ذهنی- روانی مزبور مجموعه وسیعی از راه‌های تفکر و شیوه‌های اندیشه فرد درباره جلوه‌ها و مصداق‌های سیاست شکل می‌گیرند. مهم‌ترین عملی را که در این محیط می‌توان صورت داد تبیین الگوهایی است که سبب جهت‌گیری فرد نسبت به عینیت‌ها و واقعیات سیاسی- اجتماعی و پدیده‌های مختلف آن می‌شوند. به این ترتیب مهم‌ترین دستاورد تعریف فرهنگ‌سیاسی این مدعاست که احتمالاً جهت‌گیری‌ها و رفتارهای سیاسی فرد رابطه‌ای علت و معلولی با ارزش‌ها و سمبل‌های او دارند (به نقل از نظری، علم و آل‌غفور، ۱۳۹۲: ۷۷؛ و به نقل از امینی و خسروی، ۱۳۸۹: ۱۳۰).

#### ۳-۴. فرهنگ سیاسی از نظر لوسین پای

لوسین پای (Lucian Pye) معتقد است فرهنگ‌سیاسی مجموعه نگرش‌ها، اعتقادات و احساساتی است که به روند سیاسی سامان می‌دهد و اصول و قواعد تعیین‌کننده حاکم بر رفتار نظام سیاسی را مشخص می‌کند (به نقل از عابدی اردکانی، ۱۳۹۳: ۱۴۳). به گفته لوسین پای: «نظریه فرهنگ سیاسی در پاسخ به نیاز پر کردن فاصله رو به رشد در رویکردی رفتاری در علم سیاست میان سطح تحلیل خرد مبتنی بر تفسیرهای روان‌شناختی از رفتار سیاسی فرد و سطح تحلیل کلان مبتنی بر متغیرهایی که در جامعه‌شناسی سیاسی عمومیت دارد، به وجود آمد»، او اضافه می‌کند که «مفهوم فرهنگ‌سیاسی بر این فرض استوار است که منش‌ها، احساسات و ادراکاتی که از رفتار سیاسی در یک جامعه خبر می‌دهند یا بر آن حاکم‌اند، تنها انباشته‌هایی اتفاقی نیستند، بلکه الگوهای منسجمی را بازنمایی می‌کنند که به تناسب کنار هم می‌آیند و به طور متقابل یکدیگر را تقویت می‌کنند. هر نسلی باید سیاست خود را از نسل پیشین دریافت کند، هرکدام باید در برابر آن فرایند واکنش نشان دهد تا سیاست خود را دریابد و کل فرایند باید از قوانینی پیروی کند که بر توسعه شخصیت فرد و فرهنگ عمومی جامعه حاکم است. در هر نظام سیاسی قلمرو ذهنی قاعده‌مندی برای سیاست وجود دارد که به جامعه سیاسی معنا، به نهادها نظم و به عمل فرد موضوعیت اجتماعی می‌بخشد. برای فرد، فرهنگ سیاسی خط‌مشی کنترل‌کننده‌ای را برای رفتار سیاسی مؤثر و ملاحظاتی که انسجام را در عمل کردن نهادها و سازمان‌ها تضمین می‌کنند، فراهم می‌کند» (به نقل از نادمی، ۱۳۹۰: ۱۴).

لوسین پای می‌گوید رفتار سیاسی در قریحه بومی یک ملت ریشه دارد و چنان سستی را می‌سازد که در برابر نیروهای اقتصادی زندگی جدید که می‌خواهد همه چیز را با خود همسو کند به سختی ایستادگی می‌کند. مفهوم‌هایی مثل دولت، قدرت، حاکمیت و... مفهوم‌های بسیار انتزاعی هستند و از جایی به جای دیگر و از زمانی به زمان دیگر بسیار تغییر می‌کنند. وی «فرهنگ سیاسی» را مجموعه ایستارها، اعتقادات و احساساتی می‌داند که به روند سیاسی معنی می‌دهد و فرضیه‌ها و قواعد تعیین کننده حاکم بر رفتار سیاسی را مشخص می‌کند (به نقل از رزاقی، ۱۳۷۵).

#### ۴-۴. فرهنگ سیاسی از نظر آلموند و پاول و مونت

گابریل آلموند، جی بینگهام پاول (G. Bingham Pawell) و رابرت مونت (Robert J. Mundt) نیز در کتاب «سیاست تطبیقی: یک چهارچوب نظری» (Comparative Politics: A Theoretical Framework) معتقدند، این امکان وجود دارد که فرهنگ سیاسی را به فرهنگ سیاسی «وفاق‌گرا» و فرهنگ سیاسی «منازعه‌گرا» تقسیم کرد. در اولی، شهروندان و نخبگان معمولاً در مورد شیوه‌های مناسب تصمیم‌گیری و اینکه مسائل اصلی جامعه چیست و چگونه باید آن‌ها را حل کرد هم‌نظر هستند؛ در حالی که در فرهنگ نوع دوم، آن‌ها از لحاظ نظراتی که در مورد مشروعیت نظام سیاسی و راه‌حل مشکلات اصلی دارند، به شدت دچار چنددستگی هستند (به نقل از عابدی‌اردکانی، ۱۳۹۳: ۱۴۵). با توجه به نظرات فوق می‌توان دریافت که صاحب نظران مختلف با توجه به ابعاد خرد فرهنگ سیاسی در حوزه روانشناختی و یا در ابعاد کلان و یا جامعه‌شناختی شاخص‌های مختلف و متفاوتی را برای فرهنگ سیاسی مطرح نموده‌اند، البته این در حالی است که علاوه بر ابعاد مطروحه، ویژگی‌های اکولوژی فرهنگی هر کشوری می‌تواند منطبق با فرهنگ ملی و بومی بر شاخص‌های فرهنگ سیاسی نیز اثر گذار باشند. از این رو برای شناسایی شاخص‌های فرهنگ سیاسی می‌باید مروری اجمالی بر مقالات و تحقیقات انجام گرفته در کشور و یا کشورهای دیگر صورت پذیرد تا بتوان معیارها و شاخص‌های تشکیل دهنده فرهنگ سیاسی را بیش از پیش مشخص و معین نمود.



## ۵. روش‌شناسی پژوهش

روش پژوهش در این تحقیق روش کیو می باشد که نوعی روش ترکیبی است، روش کیو ضمن برخورداری از ویژگی‌های روش کیفی، از رویکرد کمی نیز برخوردار است و از آمار بیشترین بهره را می‌برد. در این روش گویه‌های بررسی شده، بر روی کارت‌هایی که به کارت‌های کیو موسوم هستند، نوشته یا چاپ می‌شوند و در اختیار پاسخگویان قرار می‌گیرند و به ترتیبی که پژوهشگر تعیین می‌کند، بر روی کارت‌های مقیاس لیکرت توزیع می‌شوند، به صورتی که توزیع فراوانی‌ها «شبه نرمال» باشد (خوشگویان فرد، ۱۳۸۶: ۱۴). در این تحقیق برای گردآوری فضای گفتمان و ذهنیت متخصصین و صاحب نظران در خصوص شاخص‌های تشکیل دهنده فرهنگ سیاسی در کشور، اطلاعات و مفاهیم مستخرج از کتب، مقالات و اسناد در حوزه فرهنگ‌سیاسی در اختیار سیاست‌گذاران، قانون‌گذاران، مسئولان و کارگزاران اجرایی مرتبط و کاملاً متخصص قرار داده شد و سئوالات بصورت نیمه باز و ارائه پیشنهادها صورت گرفت تا برای آن‌ها امکان معنا سازی و تفسیر فراهم گردد و ذهنیت آن‌ها شناسایی و اطلاعات مبهم و پنهانی که در ورای این اطلاعات آشکار نهفته است مشخص شده و تنوع دیدگاه‌های ذهنی در مورد فرهنگ‌سیاسی توصیف شوند و با امکان مرتب سازی نمونه توسط مشارکت کننده، مشارکت کننده (جامعه آماری) بیشتر با ابزار سنجش درگیر و نهایتاً خود ذهنیت، اندازه‌گیری شوند.

انتخاب جامعه نمونه در این تحقیق بصورت کاملاً هدفمند و غیر احتمالی می باشد و هر مشارکت‌کننده در حکم یک متغیر ظاهر می‌شوند. از این رو در روش کیو، مشارکت‌کنندگان، آگاهانه و از بین افراد گوناگون فضای گفتمان (دانایی فرد، حسینی و شیخها، ۱۳۹۲: ۶۲-۵۹)، با تحصیلات، شغل و تجربه متفاوت و کافی در امور سیاسی که انتظار می‌رود ذهنیت‌های متنوع‌تری داشته باشند به تعداد ۵۴ نفر از اساتید از دانشگاه‌های دولتی و سراسری تهران و البرز، دانشگاه‌های امام حسین (ع)، دانشگاه تهران، شهید بهشتی، علامه طباطبایی، تربیت مدرس، پیام نور و دانشگاه‌های آزاد واحد علوم تحقیقات، واحد تهران مرکز، واحد تهران جنوب، واحد کرج و واحد رودهن بصورت غیر احتمالی و هدفمند انتخاب شدند و با مصاحبه و با بهره‌گیری از کارت‌های کیو مورد بررسی در نگرش و اولویت بندی نگرشی قرار گرفتند.

در این روش تعداد زیادی سؤال از تعداد کمی پاسخگو پرسیده می‌شود تا تفاوت اندیشه‌ها استخراج شوند (خوشگویان فرد، ۱۳۸۶: ۲۹-۲۸). در این تحقیق به دلیل

وجود قضاوت‌ها و پیش داوری‌های نگرشی و دسته‌بندی‌های جناحی و سیاسی مختلف، اشباع و اجماع اطلاعاتی در خصوص شاخص‌ها با ۵۴ حجم نمونه انجام پذیرفت. مصاحبه‌ها به روش، تحلیل تم (Theme Analysis) انجام شد، به طور ایده‌آل در مصاحبه با استفاده از تحلیل تم و مضامین، به جمع‌آوری اطلاعات تا زمانی ادامه داده می‌شود که به «نقطه اشباع (Saturation) اطلاعاتی» رسیده شود به نحوی که داده‌های جدید جمع‌آوری شده با داده‌هایی که قبلاً جمع‌آوری شده بودند تفاوتی نداشته باشند. روایی پرسشنامه، بصورت محتوایی و صوری با بهره‌گیری از تایید آراء صاحب نظران انجام شد. پایایی پرسشنامه نیز از طریق تعیین ضریب آلفای کرونباخ به قرار زیر تایید شدند:

مؤلفه‌های فرهنگ سیاسی در بعد خرد	آلفای کرونباخ
۱ - فرهنگ سیاسی فردی	۰/۶۷۱۲
۲ - فرهنگ سیاسی نخبگان	۰/۷۵۰۸

برای تحلیل آماری داده‌های حاصل، از روش آمار توصیفی، میانگین و واریانس برای نشان دادن سهم شاخص‌ها و آمار استنباطی و بهره‌گیری از تحلیل عاملی و آزمون فریدمن برای نشان دادن ضرورت و اولویت‌ها استفاده شده است.

## ۶. یافته‌های تحقیق

نتایج تحقیق مؤید این امر است که بعد خرد فرهنگ سیاسی جمهوری اسلامی ایران را می‌توان در دو مؤلفه ۱- فرهنگ سیاسی فردی با (۱۲ شاخص) و ۲- فرهنگ سیاسی نخبگان با (۱۲ شاخص) مورد ارزیابی قرار داد.

جدول (۱) فراوانی و میانگین گویه‌های فرهنگ سیاسی ایران در مؤلفه فرهنگ سیاسی فردی در بعد خرد

میانگین	کملا موافقم	موافقم	کمی موافقم	نظری ندارم	کمی مخالفم	مخالفم	کملا مخالفم	
/	/	/	/	/	/	/	/	
/	/	/	/	/	/	/	/	
/	/	/	/	/	/	/	/	
/	/	/	/	/	/	/	/	
/	/	/	/	/	/	/	/	
/	/	/	/	/	/	/	/	
/	/	/	/	/	/	/	/	
/	/	/	/	/	/	/	/	
/	/	/	/	/	/	/	/	
/	/	/	/	/	/	/	/	
/	/	/	/	/	/	/	/	
/	/	/	/	/	/	/	/	
/	/	/	/	/	/	/	/	
/	/	/	/	/	/	/	/	

برای سنجش متغیر فرهنگ سیاسی ایران، برگرفته از شاخص‌های فرهنگ سیاسی فردی ۱۲ گویه یا گزاره با توجه به ادبیات موضوعی در یک طیف ۷ قسمتی طراحی گردید. نتایج بدست آمده نشان می‌دهد که گویه "افراط و تفریط‌گرایی" با میانگین ۵/۳۸ از نظر پاسخگویان بیشترین تاثیر و گویه "غلبه عقل و منطق بر احساسات" با رتبه میانگین ۴/۸۸ کمترین اثر را برجای گذاشته است.

جدول (۲) فراوانی و میانگین گویه‌های فرهنگ سیاسی ایران در مؤلفه فرهنگ سیاسی نخبگان در بعد خرد

میانگین	کملا موافقم	موافقم	کمی موافقم	نظري ندارم	کمی مخالفم	مخالفم	کملا مخالفم	
/	/	/	/	/	/	/		
/	/	/	/	/	/	/	/	
/	/	/	/	/	/	/	/	
/	/	/	/	/	/	/	/	
/	/	/	/	/	/	/	/	
/	/	/	/	/	/	/	/	
/	/	/	/	/	/	/	/	
/	/	/	/	/	/	/	/	
/	/	/	/	/	/	/	/	
/	/	/	/	/	/	/	/	
/	/	/	/	/	/	/	/	
/	/	/	/	/	/	/	/	
/	/	/	/	/	/	/	/	
/	/	/	/	/	/	/	/	
/	/	/	/	/	/	/	/	

برای سنجش متغیر فرهنگ سیاسی ایران، برگرفته از شاخص‌های فرهنگ سیاسی نخبگان ۱۲ گویه یا گزاره با توجه به ادبیات موضوعی در یک طیف ۷ قسمتی طراحی گردید. نتایج بدست آمده نشان می‌دهد که گویه "باز تولید مبانی دینی- سیاسی" با میانگین ۵/۶۶ از نظر پاسخگویان بیشترین تاثیر و "جناح‌بندی و شکل‌سازی اپوزیسیونی" با رتبه میانگین ۴/۶۲ کمترین اثر را برجای گذاشته است.

۶-۱. تبیین متغیرهای مطالعه فرهنگ سیاسی ایران، برگرفته از فرهنگ سیاسی در بعد خرد

جدول (۳) مقدار KMO متغیر فرهنگ سیاسی ایران، برگرفته از شاخص‌های فرهنگ سیاسی در بعد خرد

#### KMO and Bartlett's Test

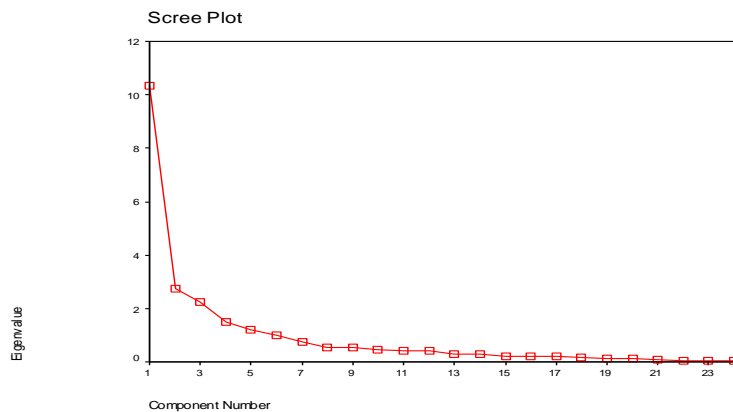
.821	Kaiser-Meyer-Olkin Measure of Sampling Adequacy.	
990.299	Approx. Chi-Square	Bartlett's Test of Sphericity
276	df	
.000	Sig.	

در گام نخست برای تشخیص مناسب بودن داده‌ها برای انجام تحلیل عاملی از شاخص KMO استفاده شد. مقدار این شاخص همواره بین صفر و یک بوده و حداقل مقدار قابل اطمینان آن برای تحلیل عاملی عدد ۰/۵ می باشد. با توجه به اینکه این شاخص برابر با ۰/۸۲۱ بدست آمد، داده‌ها برای انجام تحلیل عاملی مناسب تشخیص داده شده است.

جدول (۴) مقدار واریانس کل تبیین شده متغیر فرهنگ سیاسی ایران، برگرفته از شاخص‌های فرهنگ سیاسی در بعد خرد

Initial Eigenvalues			Component
Cumulative %	% of Variance	Total	
43.129	43.129	10.351	1
54.535	11.406	2.737	2
63.903	9.368	2.248	3
70.145	6.242	1.498	4
75.207	5.062	1.215	5
79.436	4.228	1.015	6

برای شناسایی الگوهای ذهنی مشارکت‌کنندگان، تحلیل عاملی به شیوه‌ی اکتشافی با استفاده از ماتریس همبستگی انجام شد. سپس روش مؤلفه‌های اصلی، که رایج‌ترین شیوه‌ی استخراج عاملها در تحلیل عاملی است، به کار رفت. از روش واریماکس نیز برای چرخش عامل استفاده شد. سرانجام شش عامل با مجموع واریانس ۷۹/۴۳ درصد شناسایی شد.



نمودار (۱) تعداد مولفه‌های متغیر فرهنگ سیاسی ایران،

برگرفته از شاخص‌های فرهنگ سیاسی در بعد خرد برگرفته از پژوهش

جدول (۵) ماتریس عاملی چرخش یافته متغیر فرهنگ سیاسی ایران،  
برگرفته از شاخص‌های فرهنگ سیاسی نخبگان

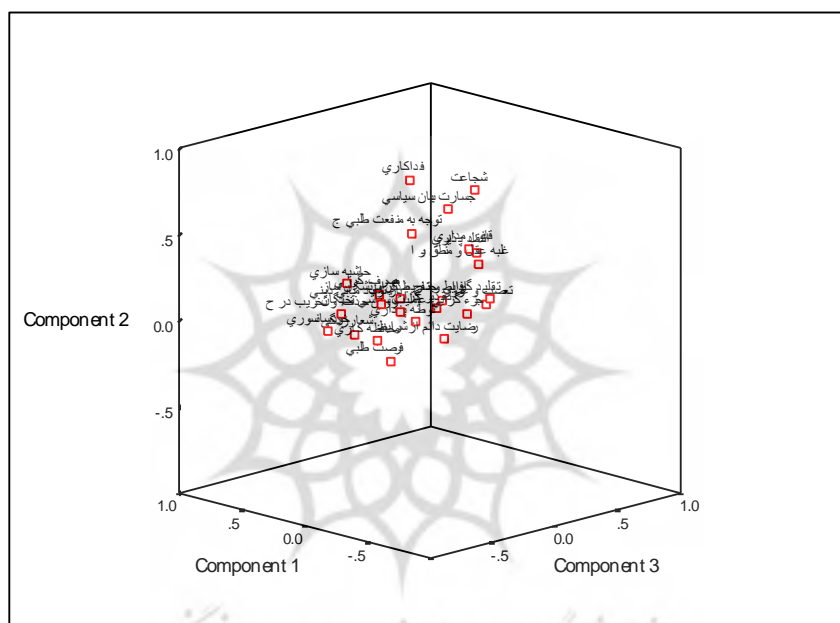
Component							
6	5	4	3	2	1		
/	/	/	/	- /	/		Q1
/	/	/	/	- /	/		Q2
/	/	- /	/	- /	/		Q3
- /	- /	/	/	/	/		Q4
/	/	- /	/	- /	/		Q5
- /	- /	/	/	- /	/		Q6
- /	/	/	/	- /	/		Q7
/	/	- /	/	- /	/		Q8
/	/	/	- /	/	- /		Q9

Component							
6	5	4	3	2	1		
- /	/	/	- /	/	- /		Q10
- /	- /	- /	- /	/	- /		Q11
/	/	/	/	- /	- /		Q12
/	- /	/	- /	/	- /		Q13
/	/	/	- /	/	- /		Q14
- /	/	- /	/	- /	/		Q15
/	- /	- /	/	- /	/		Q16
- /	- /	/	/	- /	/		Q17
- /	/	/	/	- /	/		Q18
/	- /	- /	- /	/	/		Q19
- /	/	/	- /	/	/		Q20
/	/	- /	- /	- /	/		Q21
/	/	/	- /	/	- /		Q22
/	/	- /	/	- /	/		Q23
/	- /	- /	- /	/	- /	-	Q24

همانطور که ماتریس عاملی چرخش یافته (جدول ۵) نشان می‌دهد، براساس بارهای

عاملی محاسبه شده ۶ دیدگاه یا عامل مشاهده می‌شود. دیدگاه اول شامل ۹ گویه (Q1 تا Q9)، دیدگاه دوم شامل چهار گویه (Q10 تا Q14)، دیدگاه سوم شامل ۴ گویه (Q15 تا Q18)، دیدگاه چهارم شامل ۲ گویه (Q19 تا Q20) و دیدگاه پنجم شامل ۲ گویه (Q21 تا Q22)، دیدگاه ششم شامل ۲ گویه (Q23 تا Q24) می‌گردد.

Component Plot in Rotated Space



نمودار (۲) ماتریس عاملی چرخش یافته متغیر فرهنگ سیاسی ایران، برگرفته از شاخص‌های فرهنگ سیاسی در بعد خرد

جدول (۶) رتبه‌بندی (آزمون فریدمن) میانگین گزاره‌های متغیر فرهنگ سیاسی ایران، برگرفته از شاخص‌های فرهنگ سیاسی در بعد خرد



Mean Rank	
۱۵/۶۳	باز تولید مبانی دینی - سیاسی
۱۵/۱۹	افراط و تفریط گرایی
۱۴/۸۷	شعارزدگی
۱۴/۵۵	محافظه کاری
۱۳/۵۳	تعصب و غرور
۱۳/۵۳	فرصت طلبی
۱۳/۵۰	تقلید گرایی
۱۳/۳۷	مصرف گرایی
۱۳/۳۲	توطئه پنداری
۱۳/۰۵	تقدیر گرایی
۱۳/۰۵	روش حذف و تخریب در حل اختلافات
۱۲/۹۴	حاشیه سازی
۱۲/۹۰	خودسانسوری
۱۲/۱۷	شجاعت
۱۲/۱۱	قانون مداری
۱۱/۹۶	جسارت بیان سیاسی
۱۱/۸۵	فداکاری
۱۱/۷۹	جناح بندی و تشکل سازی اپوزیسیونی
۱۱/۲۹	عاملیت سیاسی نخبگان
۱۱/۱۶	جزء گرایی
۱۰/۳۲	انتقاد پذیری
۱۰/۰۸	توجه به منفعت طلبی جمعی تا فردی
۹/۹۰	غلبه عقل و منطق بر احساسات
۷/۹۴	رضایت دائم از شرایط موجود

براساس آزمون فریدمن که در (جدول ۶) نشان داده شده، گزاره "بازتولید مبانی دینی - سیاسی" با رتبه میانگین ۱۵/۶۳ بیشترین اثرگذاری را در (فرهنگ

سیاسی فردی)، و گزاره "افراط و تفریط گرایي" بیشترین تبیین کنندگی را در (فرهنگ سیاسی نخبگان) با رتبه میانگین ۱۵/۱۹ در بعد خرد فرهنگ سیاسی نظام جمهوری اسلامی ایران داشته اند و گزاره "رضایت دائم از شرایط موجود" با رتبه میانگین ۷/۹۴ کمترین اثر را در (مؤلفه فرهنگ سیاسی فردی)، و "عاملیت سیاسی نخبگان" با رتبه میانگین ۱۱/۲۹ کمترین تبیین کنندگی را در (مؤلفه فرهنگ سیاسی نخبگان) برجای گذاشته اند.

## ۷. نتیجه گیری

با توجه به اینکه این تحقیق به شناسایی، مولفه‌ها و شاخص‌های فرهنگ سیاسی در نظام جمهوری اسلامی ایران در بعد خرد پرداخته است، قصد تبیین و بحث پیرامون شاخص‌های مطروحه را ندارد، بلکه به بازنمایی نگرش صاحب نظران سیاسی در حوزه فرهنگ سیاسی در نظام جمهوری اسلامی ایران بسنده می نماید. از این رو در بررسی شاخص‌ها، محقق صرفاً به ارائه آراء و دیدگاه صاحب نظران و متفکران سیاسی اکتفا می نماید و از پیش داوری، حمایت یا قضاوت پرهیز می نماید. بنابراین به ارائه دیدگاه‌های مختلف پرداخته شده است.

طبق یافته های پژوهش مشخص شد که شاخص "افراط و تفریط گرایي" بیشترین سهم را در تبیین فرهنگ سیاسی ایران در نظام جمهوری اسلامی ایران برگرفته از فرهنگ سیاسی در مؤلفه فردی از آن خود نموده است، این در حالی است که اخوان کاظمی (۱۳۸۶) نیز نشان داد که شاخص افراط و تفریط از شاخص های اثر گذار بر فرهنگ سیاسی ایران می باشد (نگاه شود به : اخوان کاظمی، ۱۳۸۶). این امر مؤید هیجانات انفعالی در فرهنگ سیاسی است که به وفور در ادوار مختلف تاریخی بروز داشته است و در بسیاری از موارد منشأ تغییرات سیاسی و اجتماعی مثبت و منفی در کشور ایران بوده است. بروز این شاخص در اکثریت سهم تبیین کنندگی فرهنگ سیاسی در ایران می تواند مؤید بروز بحران های ناگهانی و ضرورت پرداخت به آینده پژوهی و پیش بینی های ادواری در حوزه های سیاسی دارد تا از بروز تلاطمات ناگهانی و غیر قابل کنترل در کشور پرهیز نماید ضمن این که کنترل رفتارهای هیجانی و

آموزش اعتدال‌گری می‌تواند افراد را در راستای مدیریت این شاخص اثر گذار در فرهنگ سیاسی در ایران حمایت نماید.

از طرفی، شاخص "بازتولید مبانی دینی و سیاسی" بیشترین سهم را در تبیین فرهنگ سیاسی ایران در نظام جمهوری اسلامی ایران بر گرفته از فرهنگ سیاسی در مؤلفه‌نخبگان از آن خود نموده است، این در حالی است که میروسوی (۱۳۷۵)، قیصری (۱۳۸۰)، رثوفت (۱۳۸۰)، سینایی و مظفری پور (۱۳۹۲) نیز نشان دادند که شاخص بازتولید مبانی سیاسی و دینی از شاخص‌های اثر گذار بر فرهنگ سیاسی ایران می‌باشد (در این زمینه نگاه کنید به: میروسوی، ۱۳۷۵؛ قیصری، ۱۳۸۰؛ رثوفت، ۱۳۸۰ و سینایی و مظفری پور، ۱۳۹۲). تحقیقات مشابهی نیز توسط کوهن (۲۰۱۳) مؤید این امر می‌باشد که بازتولید مبانی دینی و سیاسی نقش مهمی در فرهنگ سیاسی کشور اسرائیل ایفا می‌نماید (کوهن، ۲۰۱۳). این یافته مؤید این امر است که نخبگان سیاسی کشور ما بر مبنای نگرش‌های ایدئولوژیک و سیاسی خود به تولید بومی مبانی دینی و سیاسی منطبق بر فهم و جامعه‌پذیری ارزش‌ها تأکید داشته و بر آن اصرار دارند. روند جهانی شدن و انطباق فرهنگی و توجه به دیپلماسی فرهنگی با کشورهای دیگر، بازتولید مبانی دینی و ارزشی را منطبق با فرهنگ بومی و ملی برجسته‌تر می‌نماید و بنظر می‌رسد این ضرورت از دید صاحب نظران سیاسی کشور مغفول نمانده است.

ضمن این که "عدم عاملیت سیاسی" توسط نخبگان در عرصه‌های کلان و "نارضایتی دائمی مردم از شرایط موجود" نکات قابل تأملی برای سیاست‌گذاری‌های آتی در فرهنگ سیاسی محسوب می‌شوند تا بتوان در راستای کاهش عوارض این محدودیت‌ها در برنامه‌ریزی‌های کلان سیاسی جامعه در راستای کاهش آن‌ها اقدام نمود.

## ۸. پیشنهادها

۱. استخراج شاخص‌های فرهنگ سیاسی جمهوری اسلامی ایران مبتنی بر آراء صاحب‌نظران و کارگزاران سیاسی انجام پذیرفته است. محققان آتی می‌توانند دیدگاه فرهنگ عامه (مردم) را در بررسی شاخص‌های فرهنگ سیاسی جستجو کنند.

۲. محققان آتی می‌توانند با استناد به الگوی مطروحه به "سنجش میزان فرهنگ سیاسی در بعد خرد" در نظام جمهوری اسلامی ایران پردازند.

#### ۸-۱. پیشنهادهای کاربردی مبتنی بر یافته‌های تحقیق

۳. با تکیه بر کاربرد الگوی فرهنگ سیاسی برگرفته از این تحقیق می‌توان وضعیت موجود فرهنگ سیاسی را در بعد خرد ارزیابی نمود.

۴. با تکیه بر کاربرد الگوی فرهنگ سیاسی برگرفته از این تحقیق می‌توان وضعیت مطلوب فرهنگ سیاسی را در بعد خرد ارزیابی نمود.

۵. با استفاده از این الگو می‌توان شکاف و نقائص فرهنگ سیاسی در بعد خرد را در کشور مورد بررسی قرار داد.

۶. با استفاده از این الگو می‌توان فرهنگ سیاسی جمهوری اسلامی ایران را در ادوار مختلف تاریخی در بعد خرد مقایسه و ارزیابی نمود.

به‌نظر می‌رسد نتایج مطروحه می‌توانند اولویت‌ها و شاخص‌های فرهنگ سیاسی را در نظام جمهوری اسلامی ایران برجسته و مطرح نموده و زمینه مناسبی را برای سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی استراتژیک و حتی ارزیابی در سطوح ملی و فراملی فراهم نمایند و زمینه مناسبی را برای ارزیابی تحلیلی و مقایسه‌ای در روند شکل‌گیری فرهنگ سیاسی را در دوره‌های مختلف سیاسی در کشور و حتی ادوار تاریخی فراهم نمایند.

#### پی‌نوشت

۱. برگرفته از پایان‌نامه کارشناسی ارشد

پیشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
رساله جامع علوم انسانی

#### منابع

ابوظالبی، مهدی. (۱۳۸۴). نقش فرهنگ سیاسی شیعه در انقلاب اسلامی ایران، معرفت، (۹۸)، ۲۳-۱۰  
احسانی، احمد. (۱۳۷۸). بررسی تطبیقی فرهنگ سیاسی مردم ایران در قبل و بعد از انقلاب اسلامی ایران. (پایان‌نامه کارشناسی ارشد)، دانشگاه باقرالعلوم.

اخترشهر، علی. (۱۳۸۶). مولفه‌های جامعه‌پذیری سیاسی در حکومت دینی، چاپ اول، تهران: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی

امینی، علی‌اکبر. و خسروی، محمدعلی. (۱۳۸۹). تأثیر فرهنگ سیاسی بر مشارکت سیاسی زنان و دانشجویان. مجله: مطالعات سیاسی، ۲ (۷)، ۱۴۲-۱۲۷.

رزیتا سپهرنیا و محمدصادق جلالی‌راد ۱۰۵

چیلکوت، رونالد (۱۳۷۷). نظریه‌های سیاست مقایسه‌ای، ترجمه وحید بزرگی و علی‌رضا طیب، چاپ دوم، تهران: نشر موسسه خدمات فرهنگی رسا

خلیلی، محسن. و عباسی خوشکار، امیر. و شمس‌الدینی‌نژاد، مجید. (۱۳۹۳). فرهنگ سیاسی نخبگان؛ زمانه برآمدن و برافتادن پهلوی اول. پژوهشنامه علوم سیاسی، ۱۰ (۱)، ۷-۳۶.

خوشگویان‌فرد، علیرضا (۱۳۸۶). روش‌شناسی کیو، چاپ اول، تهران: مرکز تحقیقات صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران

دانائی‌فرد، حسن. حسینی، سیدیعقوب. شیخها، روزبه. (۱۳۹۲). روش‌شناسی کیو: شالوده‌های نظری و چارچوب انجام پژوهش. چاپ اول، تهران: انتشارات صفار

رزاقی، سهراب. (۱۳۷۵). مولفه‌های فرهنگ سیاسی ما، مجله نقد و نظر، ۲ (۳-۴)، ۲۱۳-۲۰۰

عابدی اردکانی، محمد. (۱۳۹۳). توسعه‌نیافتگی سیاسی از منظر فرهنگ سیاسی نخبگان در ایران (۱۳۸۴-۱۳۶۸)، پژوهشنامه علوم سیاسی، ۹ (۴)، ۱۶۹-۱۳۳

عالم، عبدالرحمن. (۱۳۷۴). فهم فرهنگ سیاسی. سیاست خارجی، ۹ (۴)، ۱۵۲۶-۱۵۱۳.

ملکان، مجید. (۱۳۷۶). فرهنگ سیاسی نخبگان حاکم و کثرت‌گرایی (پلورالیسم) سیاسی در ایران (۱۳۳۲-۱۳۵۷). (پایان‌نامه کارشناسی ارشد)، دانشگاه امام صادق علیه السلام.

نادمی، داوود. (۱۳۹۰). بررسی جامعه‌شناختی سرمایه اجتماعی، برگ فرهنگ، (۲۳)، ۳۵-۸

نظری، حامد، علم، محمد رضا، آل‌غفور، محسن (۱۳۹۲). فرهنگ سیاسی زنان شیعه (با تأکید بر نقش انقلاب اسلامی ایران)، زن و فرهنگ، ۵ (۱۷)، ۹۲-۷۵

هنری لطیف پور، یدالله. (۱۳۸۰). فرهنگ سیاسی شیعه و انقلاب اسلامی، چاپ دوم، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی